

نقش آموزش عالی، دانشگاهها و مراکز علمی - پژوهشی در ترویج امر به معروف و نهی از منکر

زهرة سعادت‌مند^۱، اشرف اصیلان^۲

چکیده

در این مقاله به تبیین رسالت دانشگاه در احیاء ترویج و توسعه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده که برای رسیدن به این هدف از مطالعه کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل موضوع استفاده شده است. هر جامعه‌ای برای پویایی، نیازمند آرامش و امنیت از جانب داخل و خارج است. از جمله موارد رعایت امنیت، توجه به امر به معروف و نهی از منکر است چرا که توجه به این موارد اصل نظارت عمومی و ضمانت اجرای قوانین است. امر به معروف به معنای فرمان دادن به کاری است که حُسن آن از نظر عقل و شرع شناخته شده و نهی از منکر به معنای باز داشتن از کاری است که حُسن آن از منظر عقل و شرع ناشناخته است. امر به معروف و نهی از منکر از بارزترین راههای هدایت انسان است و از باب قاعده لطف، انجام دادن آن بر همه لازم است. امر به معروف و نهی از منکر در شریعت اسلامی در قیاس با ادیان دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است. با این همه، این دو فریضه ویژه اسلام نیست و در شرایع پیشین نیز واجب بوده. از شرایط امر و نهی شناختن معروف و منکر دادن احتمال تأثیر، مصرّ بر گناه یافتن شخص و نداشتن ضرر مالی و جانی می باشد. از جمله موارد دیگری که به آن اشاره شده مراتب سه گانه قلبی، زبانی و عملی، ولایت در امر به معروف و نهی از منکر و آثار آن که شامل: فلاح و رستگاری، بهترین امت بودن و نجات از عذاب است. امر به معروف و نهی از منکر ریشه‌ای فطری و غریزی داشته و رابطه‌ی تنگاتنگی با توحید، نبوت و امامت دارد. خداوند جایگاه ناصحین را بهشت دانسته و آنها را دارای خلق و خوی عالی، اطلاعات کافی و آموزش لازم می داند. امر و نهی انتقاد از عمل است نه خود شخص و از خود و خانواده شروع می شود. همچنین به تدابیر سازنده در مراکز علمی و پژوهشی و راهکارهای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر اشاره می شود.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، آموزش عالی، مراکز علمی پژوهشی

مقدمه:

که در آفرینش ز یک گوهرند
دگر عضوها را نماند قرار

بنی آدم اعضای یک پیکرند
چو عضوی به درد آورد روزگار

^۱ - استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

شاید بتوان گفت که از وظایف مهم نظام آموزشی هر کشور پس از آموزش خواندن و نوشتن چیزهایی است که هویت ملی یک ملت را به وجود می آورند. هویت ملی ما دین، زبان، ملیت و فرهنگ را تشکیل می دهد. پس ضروری است که در خانواده و دانشگاهها افراد با این عوامل که سبب می شود ایرانی از غیر ایرانی متمایز گردد آشنا شوند. مهمترین وظیفه مراکز آموزشی در تربیت فرزندان ما علاوه بر آموزش علم، آموزش امر به معروف و نهی از منکر است که از همان ابتدا خوب را از بد تمیز دهند.

بر خلاف گمان انسان که خیال می کند هر روز به عمرش افزوده می شود، هر روز که می گذرد از سرمایه او کاسته می شود؛ به زمان سوگند که انسان همچون یخ هر لحظه در حال آب شدن است (والعصر ان الانسان لفی خسر) پس در برابر به هدر رفتن عمر باید چیزی بهتر به دست آوریم. آنچه بهتر از عمر ماست، ایمان و عمل صالح است. ایمان و کار نیک اگر توسعه پیدا نکند، ارزشی نخواهد داشت. بنابراین باید دیگران را نیز به ایمان و عمل صالح سفارش و دعوت کنیم؛ البته پیمودن این راه، مشکلاتی در بر خواهد داشت؛ یعنی اگر بخواهیم مردم را به خیر و معروف دعوت کنیم و از مفسد و انحرافات که دارند، باز داریم، احتمال دارد که برخوردهای ناگواری پیش آید؛ ولی به هر حال باید با پشتکار این راه را بپیماییم. هستی برای ما آفریده شده است و هر روز که از عمرمان کاسته می شود، اگر چیزی ذخیره نکنیم، در این بازار هستی باخته ایم. بهترین ذخیره ها ایمان و عمل صالح و سفارش کردن دیگران به حق و صبر است. سفارش به حق، همان امر به معروف است که شامل فکر حق، قانون حق، رهبر حق و حکومت حق می شود؛ یعنی باید هر روز معروف ها را گسترش دهیم و از مفسد و منکرها جلوگیری کنیم. اسلام بـ_____انگـرَش_____ی

جامعه گرایانه می خواهد همه افراد جامعه اسلامی به گونه ای تربیت شوند که نسبت به رفتار یکدیگر احساس مسئولیت کنند، زیرا مصالح و سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه به یکدیگر مرتبط است و بر این پایه نقش امر به معروف و نهی از منکر ممتاز و برجسته شده است. بنابر روایات، همه کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر همانند آب دهان در برابر دریای پهناور است. در اهمیت امر به معروف همین بس که علما به دلیل ارتباط قلبی انسان با آن (تنفر قلبی از منکر)، آن را در اصول دین؛ و به دلیل برخوردهای عملی، و اینکه یکی از واجبات است، آنرا در ردیف فروع دین مطرح کرده اند. شهید ثانی می فرماید: آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر آنقدر زیاد است که کمر را می شکند.

از جمله مکانهایی که می تواند نقش اساسی در امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد مراکز آموزشی و علمی و پژوهشی می باشد؛ جایی که جوانان در آن رشد می یابند. این مراکز می توانند این نقش مهم را از برپایی نماز جماعت، توجه به قرآن، گسترش پیشرفت های علمی، ابتکارات، اختراعات و... می باشد ایفا نمایند و از این طریق با مفسد فراوانی که جوانان را تهدید می کند مقابله نماید. با توجه به این که معروف و منکر های هر گروهی را، بزرگان گروه که مومن واقعی باشند بهتر می دانند بنابراین در مراکز دانشگاهی نیز باید سرنیزه را به سمت روءسا و اساتید دانشگاهها نشانه رفت؛ آنها می توانند بیش از هر کس دیگری امر به معروف و نهی از منکر تاثیر گذارتری داشته باشند. با توجه به اهمیت ویژه ی امر به معروف و نهی از منکر در عصر کنونی (هر چند در هیچ عصری بی نیاز از این دو امر مهم نبوده) می طلبد که تعلیم دهندگان جامعه بی توجه به خطراتی که در کمین جوانان و جامعه

می باشد غافل نمانند و راهکار های عملی را در مراکز علمی تزییق نمایند.
از خداوند توفیق همه را در انجام این فریضه الهی خواهانم.

تعریف امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه اساسی برای نظارت عمومی در جامعه اسلامی است. امر به معروف در اصطلاح به معنای فرمان دادن به هر کاری است که حُسن آن از نظر عقل و شرع شناخته شده است و نهی از منکر به معنای باز داشتن از هر کاری است که حُسن آن از منظر عقل و شرع ناشناخته است یا عقل یا شرع به قُبْح آن حکم می کند. امر به معروف و نهی از منکر دو فرع مهم از فروع دین و از ضروریات اسلام به شمار می رود و با توجه به اینکه احکامی مشترک دارند غالباً در آیات و روایات در کنار هم آمده اند. این دو واجب مربوط به حوزه عمل و از همین رو جایگاه اصلی آن علم فقه است اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر همراه با 4 اصل دیگر توحید، عدل، وعد و وعید و منزلت بین المنزلتین «اصول خمس» معتزله را شکل می داده است. از نظر معتزله همه مؤمنان در حد توان خود به اقامه احکام شرع مکلف اند و باید در امر به معروف و نهی از منکر شیوه های گوناگون اجرای آن را که شامل قیام مسلحانه نیز هست به کار گیرند.

از تعبیر احادیث و فقها می توان استفاده کرد که امر به معروف و نهی از منکر معنایی فراگیر دارد و می تواند در قالب موعظه و نصیحت نیز محقق شود، همچنان که برخی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر بدون هرگونه گفتاری محقق می گردد، بنابراین می توان گفت امر به معروف و نهی از منکر در اصطلاح، عبارت است از هر اقدامی که به تحقق معروف کمک و از وقوع منکر جلوگیری کند؛ چه با گفتار باشد، چه با کردار و رفتار. در عین حال برخی از فقها با الهام از مفهوم کلمه «امر» و «نهی» شرط کرده اند که امر به معروف و نهی از منکر از موضع برتر و آمرانه باشد؛ مثلاً باید گفت «نماز بخوان» و «شراب ننوش» و با خواهش و موعظه کردن امر به معروف و نهی از منکر محقق نمی شود. (مطهری، 1376)

وجوب امر به معروف و نهی از منکر:

قرآن کریم با تعبیراتی گوناگون به موضوع امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. در شماری از آیات تعبیر امر به معروف و نهی از منکر در کنار یکدیگر به کار رفته است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه/9، 71) و نیز آل عمران/3، 104، 110؛ حج/22، 41؛ لقمان/31، 17؛ همچنین تعبیراتی مانند «امر به عُرف» (اعراف/7، 199)، «امر به عدل» (نحل/16، 90)، «امر به قسط» (آل عمران/3، 21) و «نهی از سوء» (اعراف/7، 165)، «نهی از فحشا» (نحل/16، 90)، «نهی از فساد» (هود/11، 116) و «نهی از گناه» (مائده/5، 63) به این دو فریضه اشاره دارد. در برخی آیات، به ویژه در ضمن قصص قرآنی نیز بدون تصریح به واژه معروف یا منکر، مصادیقی از امر به معروف و نهی از منکر آمده است. (مائده/5، 63)، (فرقان/25، 72) محتوای این آیات بر لزوم امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی و نکوهش و هلاکت امتهای پیشین بر اثر ترک این دو فریضه دلالت دارد. برخی نزول آیات قرآن را در تشریح امر به معروف و نهی از منکر دارای سیر

تدریجی می‌دانند؛ یعنی در مرحله نخست به تشویق آن پرداخته، سپس سرنوشت شوم ترک این دو کار را یادآور شده، در مرحله بعد آن دو را واجب کرده و در نهایت عمل به آن دو را صفت لازم مؤمنان دانسته است. شماری از متکلمان و فقیهان افزون بر ادله نقلی (کتاب، سنت، اجماع) برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر به دلیل عقل نیز استدلال کرده و گفته‌اند که امر به معروف و نهی از منکر از بارزترین راههای هدایت انسان است و از باب قاعده لطف (نزدیک ساختن بندگان به طاعت و دور ساختن آنان از معصیت از سر لطف) انجام دادن آن بر همه لازم است. (مطهری، 1376)

واجب کفایی یا عینی:

فقها درباره اینکه این وجوب عینی است یا کفایی، اختلاف نظر دارند در آیه 104 آل عمران آمده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» اکثر مفسران «مِنْ» در «مِنْكُمْ» را تبعیضیه دانسته و وجوب کفایی را نتیجه گرفته‌اند؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر بر همه شما واجب نیست، زیرا همه برای آن شایستگی لازم را ندارند، بلکه باید گروهی از میان شما که با معروف و منکر و شرایط امر به معروف و نهی از منکر آشنا هستند به این مهم مبادرت ورزند؛ همچنین در وجه کفایی بودن گفته‌اند: که با تحقق غرض شارع یعنی تحقق معروف و از میان رفتن منکر، وجوب از دیگران برداشته می‌شود. استفاده وجوب کفایی از آیه قابل خدشه است، زیرا آیه فقط دلالت می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب نیست، چون همه مردم شرایط آن را ندارند و ساقط شدن واجب از غیر واجدان شرایط به معنای وجوب کفایی نیست، چنان‌که ساقط شدن وجوب حجّ از غیر افراد مستطیع دلیل بر کفایی بودن آن نیست. در برابر، بعضی از فقها مانند شیخ طوسی با تمسک به عموم آیات و روایات به وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر قائل شده‌اند. مستند آنان آیه 110 آل عمران است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» زیرا خطاب در این آیه به عموم مسلمانان و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بر عهده همه است. اینان «مِنْ» را در آیه 104 آل عمران: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ» بیانیه و به معنای «کونوا امه» و خطاب آیه را عام دانسته‌اند. به نظر می‌رسد برای اثبات وجوب عینی استدلال به شمول خطاب صحیح نباشد، زیرا هم در واجب کفایی و هم در واجب عینی خطاب عام است و تفاوت فقط در این است که در واجب کفایی با تحقق غرض شارع وجوب از دیگران ساقط می‌شود، به علاوه، اصولاً اختلاف در عینی یا کفایی بودن این دو فریضه بی‌ثمر و حداقل کم‌ثمر است. برخی با تمسک به آیه 105 مائده گمان برده‌اند که اگر شخصی مراقب خویش بوده و در جهت اصلاح خویش اقدام کند لازم نیست نگران عملکرد دیگر افراد جامعه باشد، زیرا هنگامی که شخص هدایت یافته باشد گمراهی دیگران به او ضرر نمی‌زند: «يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ» حتی برخی گفته‌اند که ظاهر آیه بر عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد. در حالی که در آیه مزبور سخن از هدایت است و انسان آنگاه هدایت یافته که به وظایف خویش از جمله امر به معروف و نهی از منکر عمل کرده باشد. البته در صورتی که به وظیفه خود عمل کند یا شرایط یا زمینه برای انجام دادن این تکلیف فراهم نباشد، گمراهی دیگران به او زیانی نمی‌زند. (مطهری، 1376)

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گاه از این دو فریضه در کنار ایمان به خدا و آخرت یاد شده: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/3، 114) و گاه پیش‌تر از برپاداشتن نماز و زکات و ویژگی مردان و زنان با ایمان شمرده شده است: «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (توبه/9، 71) در برابر، از جمله ویژگی‌های منافقان، امر به منکر و نهی از معروف یاد شده است: «الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ» (توبه/9، 67) قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر را سنت خداوند دانسته و براساس روایتی از پیغمبر اکرم (ص) امران به معروف و ناهیان از منکر جانشینان خداوند در عمل به این وظیفه‌اند. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» (نحل/16، 90) و تورات و انجیل به جا آوردن این دو واجب را از اوصاف پیامبر این امت بر شمرده است. (اعراف/7، 157) عمل کردن به این دو فریضه شاخص امت اسلامی و رمز برتری آنان بر سایر امتها معرفی شده است: «كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/3، 110) و مسلمانان مأمور شده‌اند که بدین منظور گروه و تشکیلاتی توانمند فراهم آورند تا به رستگاری نایل آیند: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/3، 104) و به هنگام برخورداری از قدرت و حاکمیت از این تفضل الهی در جهت بسط امر به معروف و نهی از منکر بهره گیرند: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج/22، 41) از آیات قرآن کریم می‌توان استفاده کرد که سرنوشت ترک کنندگان نهی از منکر با سرنوشت مرتکبان منکر گره خورده است و هلاکت و خسران، فرجام شوم آنان است. (اعراف/7، 163 - 166)

پیشینه امر به معروف و نهی از منکر در ادیان آسمانی:

امر به معروف و نهی از منکر در شریعت اسلامی در قیاس با ادیان دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است و از همین رو یکی از اوصاف پیامبر اکرم (ص) در تورات امر به معروف و نهی از منکر شمرده شده است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» (اعراف/7، 157) شاید اهمیت فوق العاده امر به معروف و نهی از منکر در اسلام از آن روست که این دین برای همه مردم در تمامی اعصار تشریح شده (سبأ/34، 28؛ آل عمران/3، 19) و آخرین شریعت الهی است (احزاب/33، 40)، از این رو لازم است همه مؤمنان، به ویژه دانشمندان در بسط و حفظ شریعت بکوشند و با عمل به این دو فریضه، جانشین خدا و پیامبران بر روی زمین باشند و اسلام را جاودانه کنند. با این همه، این دو فریضه ویژه اسلام نیست و در شرایع پیشین نیز واجب بوده، گرچه محدوده آن به گستردگی اسلام نبوده است. بر پایه روایتی از پیامبر اکرم (ص) مراد از «الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ» در آیه 21 آل عمران گروهی از بنی اسرائیل‌اند که قاتلان پیامبران را امر به معروف و نهی از منکر کردند و در این راه به شهادت رسیدند. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِبَايَةِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» همچنین جمعی از «ربانیون» [دانشمندان مسیحی] و «احبار» [علمای یهود] که از گفتار گناه‌آلود و حرام خواری نهی نمی‌کردند نکوهش شده‌اند: «أُولَٰئِكَ يَنْهَوْنَهُمْ

الرَّبِّيُّونَ وَالْأَحْبَابُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (مائده/5، 63) شماری از بنی اسرائیل بر اثر کفر و ترک نهی از منکر از سوی داود و عیسی (ع) لعنت شدند: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ» (مائده/5، 78 - 79) از گزارش داستان اصحاب سبت در قرآن کریم بر می آید که گروهی از بنی اسرائیل که نهی از منکر نمی کردند به همراه مرتکبان منکر هلاک شدند و تنها گروهی نجات یافتند که نهی از منکر کردند: «أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِقَابٍ بَئِيسٍ» (اعراف/7، 165) در آیه 116 هود بنی اسرائیل را عتاب می کند که چرا در نسلهای پیشین شما جز گروهی اندک، خردمندانی نبودند که مردم را از فساد باز دارند: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ» از نصایح لقمان به فرزندش نیز استفاده می شود که امر به معروف در شرایط پیشین واجب بوده است: «يَبْنَئُ أَيْمِ الصَّلَاةِ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ» (لقمان/31، 17)

شرایط امر به معروف و نهی از منکر:

این دو فریضه را موکول به 4 شرط کرده اند؛ یعنی باید امر و نهی کننده:

1. معروف و منکر را بشناسد.
 2. احتمال تأثیر دهد.
 3. مخاطب را مصرّ بر گناه بیابد.
 4. بر امر و نهی مفسده ای همچون ضرر مالی و جانی مترتب نباشد.
- در خصوص شرط نخست برخی فقها با تمسک به اطلاق آیات و روایات و نیز تأکید موجود در این ادله گفته اند: شناخت معروف و منکر واجب است و کسی که بر اثر عدم آگاهی از معرفی معروف و منکر نمی تواند امر به معروف و نهی از منکر کند گناهکار است. این گروه از فقها اصطلاحاً شناخت معروف و منکر را شرط واجب دانسته اند (مانند شرط طهارت برای نماز)؛ ولی بیشتر فقها آن را شرط وجوب دانسته و کسب آن را واجب نمی دانند (مانند شرط استطاعت برای حج). بنا به نظر اخیر تنها عالم به معروف و منکر وظیفه امر و نهی را بر عهده دارد. قائلان به این نظر به ادله ای از جمله روایتی از امام صادق (علیه السلام) استناد کرده اند. در این روایت، امام (ع) و جواب امر به معروف و نهی از منکر را مشروط به قدرت و علم کرده است و آنگاه در تأیید این نظر به آیات «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/3، 104) و نیز «وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف/7، 159) استناد فرموده، با این استدلال که در این دو آیه خداوند وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را تنها بر عهده گروهی خاص: «أُمَّةٌ» نهاده و بر همگان واجب نکرده است.

درباره شرط دوم، فقیهان این نکته را یادآور شده اند که ممکن است در مواردی امر به معروف و نهی از منکر بر مخاطب تأثیر نداشته باشد؛ ولی آثار جانبی دیگری همچون آشکار شدن بدعتها و پیشگیری از مشتبه شدن معروف و منکر داشته باشد که در این صورت نیز باید حقیقت را آشکار کرد و سکوت و کتمان جایز نیست. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ» (بقره/2، 159، 173) برخی از فقیهان اهل سنت نیز با استناد به آیه «وَذَكَرْنَا فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (اعلی/87،

9) و نیز برخی روایات، امر به معروف و نهی از منکر را در هر صورت بر مکلف واجب می‌دانند؛ چه تأثیر داشته باشد یا نداشته باشد.

درباره شرط چهارم، نظر مشهور فقیهان این است که در صورت ترس از زیان مالی و جانی بر خود یا دیگران، وجوب ساقط می‌گردد. برخی برای اثبات این حکم به آیه 150 اعراف استناد کرده‌اند که به موجب آن هارون برای حفظ جان خویش از تداوم نهی از منکر امتناع کرد. «إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعَفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي» برخی نیز آیه 195 بقره را که از افکندن خود در هلاکت به دست خویش منع کرده است: «و لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» دلیل بر این امر دانسته‌اند؛ اما بسیاری از فقها در این مسئله تفصیل داده و آن را در موردی پذیرفته‌اند که مفسده مترتب بر امر و نهی بیش از مفسده مترتب بر ترک معروف و ارتکاب منکر باشد؛ ولی اگر معروف و منکر از اموری است که از نظر شارع مقدس اهمیت فراوانی دارد، مانند حفظ اسلام و عقاید و نوامیس قرآن و احکام ضروری باید با مقایسه اهم و مهم، مهم‌تر را در نظر گرفت و با مجرد ضرر و حرج وجوب امر به معروف و نهی از منکر برداشته نمی‌شود. چه بسا برای حفظ این گونه امور باید جان یا جانمایی فدا شود و در این صورت تحمل ضررهای غیر جانی یا مشقتها به طریق اولی واجب است. از نظر اینان میان قاعده لاضرر و لاجرح که مستند عمده شرط چهارم است و ادله امر به معروف و نهی از منکر تزامم وجود دارد و براساس قاعده تزامم باید به آن که ملاک قوی‌تر و اهمیت بیشتری دارد عمل کرد. از آیات قرآن نیز می‌توان شواهدی در تأیید این نظر ارائه کرد؛ آیه 21 آل عمران از کشته شدن شماری از پیامبران و نیز کشته شدن امر کنندگان به معروف به دست گروهی از بنی اسرائیل خبر می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» براساس روایتی در ذیل آیه، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در پاسخ این پرسش که عذاب چه کسی از همه سخت‌تر است فرمود: عذاب شخصی که پیامبری یا امر به معروف و ناهی از منکری را بکشد، آنگاه آیه فوق را تلاوت کرده و فرمود: بنی اسرائیل در آغاز روز 43 پیامبر را کشتند. 112 مرد صالح از میان آنان برخاستند و قاتلان را امر به معروف و نهی از منکر کردند. بنی اسرائیل همه آنان را نیز در غروب همان روز کشتند. براساس نقل دیگری آن حضرت در ذیل این آیه فرمود: بهترین جهاد سخنی است که برای دفاع از حق در پیش روی سلطان ستمگر گفته و شخص مجاهد در این راه کشته می‌شود؛ همچنین بر پایه روایتی حضرت علی (ع) مراد آیه «و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره/2، 207) را مردی دانسته که بر اثر امر به معروف و نهی از منکر کشته می‌شود و درباره آیه «يَبْنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ» (لقمان/31، 17) فرمود که مراد از صبر، استقامت در برابر دشواریها و رنجهایی است که در راه امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد. آیات 13 -

27 یس نیز به ماجرای مردی فداکار پرداخته که به سبب امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از پیامبران الهی سرانجام به شهادت رسید. شهید می‌گوید: اگر امر به معروف و نهی از منکر به صورت جهاد باشد مسلم است که می‌توان تا سرحد کشته شدن پیش رفت. او در ادامه می‌گوید: بسیاری از عامه امر به معروف و نهی از منکر را اگرچه به کشته شدن آمر و ناهی بینجامد جایز شمرده و به آیه «و كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا» استدلال کرده‌اند، زیرا خدا آنان را از آن رو که به سبب امر به معروف و نهی از منکر کشته شده‌اند ستوده است.

افزون بر آیات، احادیثی که امر به معروف و نهی از منکر را از شاخه‌های جهاد برشمرده و نیز سیره بسیاری از اولیای الهی که در راستای امر به معروف و نهی از منکر تا سر حد شهادت پیش رفتند مؤید همین نظر است که در

امور مهم و اساسی دشواریها نمی تواند مانع امر به معروف و نهی از منکر باشد، بنابراین استناد به آیه «ولا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره/2، 195) برای عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر در همه موارد ضرر صحیح نیست.

برخی بر شرطهای چهارگانه فوق شرط عدالت را نیز افزوده اند؛ یعنی امر و نهی کننده خود نیز باید واجبات را انجام دهد و از محرمات بپرهیزد. آنان برای لزوم این شرط افزون بر روایات، به شماری از آیات نیز استدلال کرده اند؛ از جمله آیاتی که به نکوهش کسانی پرداخته که دیگران را به نیکی فراموش خوانند؛ ولی خویشتن را فراموش کرده و به گفته خود عمل نمی کنند: «اتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره/2، 44)، «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف/61، 2)، «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف/61، 3)؛ ولی فقها و مفسران این شرط را نپذیرفته و گفته اند که سرزنش در این آیات بر اثر امر به نیکیها نیست، بلکه به سبب ترک واجب و ارتکاب منکر است و شاید نکوهش از این جهت است که آنان برخلاف ادعای خود برخی کارها را انجام نمی دادند، بنابراین بر مرتکب منکر نیز واجب است که از منکر نهی کند، زیرا بر عهده او دو واجب است: یکی ترک ارتکاب حرام و دیگری نهی از منکر و با ترک یک واجب، واجب دیگر از او برداشته نمی شود. البته تردیدی نیست که پذیرش نهی کسی که خود به منکر آلوده است، دشوار است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر:

این دو فریضه دارای مراتب سه گانه قلبی، زبانی و عملی است. از این مراحل به «انکار قلبی» «انکار زبانی» و «انکار با دست» تعبیر می شود. امام باقر (علیه السلام) فرمود: با دلهای خود منکر را ناخوش دارید و با زبانهای خود از آن باز دارید و با دست خود بر پیشانی کسانی که مرتکب آن می شوند بکوبید و در راه خدا از سرزنش هیچ کس بیم نداشته باشید. با حاصل شدن مقصود از هر مرتبه، عمل به مرتبه بعدی جایز نیست. البته هریک از این مراتب نیز دارای درجاتی است؛ مثلاً می توان مرحله نخست را با نگاه، اشاره، درهم کشیدن چهره، رویگردانی و دوری ادا کرد و همین طور مراتب دیگر. بدون تردید در کنار وظیفه عمومی مردم در انجام دادن این دو فریضه مهم جامعه عمل پوشاندن به مرتبه سوم امر به معروف و برخی از درجات این مرتبه، نیازمند قدرت، تشکیلات و حکومت است، زیرا اگر همه آحاد جامعه بدون اذن حاکم اسلامی به این مرحله عمل کنند برخوردهای اجتماعی موجب هرج و مرج شده و نظم و امنیت جامعه اسلامی خدشه دار می شود، بنابراین، جامعه نیازمند تشکیلاتی مقتدر است که صلاحیت قصاص و اجرای حدود و تعزیرات را داشته باشد. البته همچنان که آحاد جامعه وظیفه دارند به دو مرحله نخست (انکار قلبی و زبانی) قیام کنند نسبت به ایجاد چنین تشکیلات قدرتمندی نیز وظیفه دارند. در اجرای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، از سوی حاکمان مسلمان در برخی از کشورهای اسلامی تشکیلاتی با عنوان «اداره حسبه» تأسیس کرده اند. این تشکیلات، نظارت و بازرسی و ارشاد و هدایت مردم در جامعه اسلامی را بر عهده داشته و آنها را در امور اجتماعی به رعایت موازین اسلامی و عدل و انصاف دعوت کرده و از منکر و حرام و ستم به دیگران باز می داشته است. (مطهری، 1376)

ولایت در امر به معروف و نهی از منکر:

از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر جنبه فردی ندارد و وظیفه‌ای اجتماعی است و در روابط انسان با دیگران معنا می‌یابد، به گونه‌ای دخالت در امور دیگران (امر و نهی شونده) به حساب می‌آید، از این رو عمل کردن به این دو فریضه نیاز به سلطه و ولایت دارد و خداوند که بر همه موجودات ولایت دارد برای مؤمنان نسبت به یکدیگر این ولایت و حق قانونی را قرار داده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه/9، 71)

آثار امر به معروف و نهی از منکر :

از جمله آثار امر به معروف و نهی از منکر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. فلاح و رستگاری:
آیه 104 آل عمران آمران به معروف و ناهیان از منکر را اهل فلاح و رستگاری دانسته است؛ به بیان دیگر، در این آیه فلاح و رستگاری مؤمنان متوقف بر امر به معروف و نهی از منکر شده است.

2. بهترین امت بودن:

کسب عنوان بهترین بودن برای امت اسلامی در گرو امر به معروف و نهی از منکر است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/3، 110)، از همین رو از بعضی صحابه نقل شده است که هر کس می‌خواهد بهترین این امت باشد به شرط خدا که ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است وفا کند. (اکبری زادگان، 1382)

3. نجات از عذاب:

از آیه 165 اعراف که به داستان اصحاب سبت پرداخته برمی‌آید که در مواجهه با منکر کسانی از عذاب نجات می‌یابند که امر به معروف و نهی از منکر کنند: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِزَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» آیه 116 هود نیز بنی اسرائیل را نکوهش کرده که چرا در نسلهای پیشین شما خردمندانی نبودند که مردم را از فساد باز دارند و سپس از نجات یافتن گروه اندکی از بنی اسرائیل که نهی از منکر می‌کردند خبر داده است: «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةً يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ»

سیمای امر به معروف و نهی از منکر :

امر به معروف و نهی از منکر نشانه‌ی:

عشق انسان به مکتب و مردم، تعهد و سوز و علاقه‌ی انسان به سلامتی جامعه، آزادی جامعه و ارتباط میان آحاد مردم، فطرت بیدار و حضور و غیاب واجبات، تذکر و آگاه کردن افراد جاهل، تلخ کردن کام خلافکاران، سبب دلگرمی و تقویت افراد کم‌اراده، حافظ مرزها و حقوق افراد، نشانه‌ی غیرت دینی، نوعی قرنطینه‌ی روحی و نشانه‌ی رشد است. (قرائتی، 1379)

ریشه های فطری و غریزی امر به معروف و نهی از منکر:

تمام پدران و مادران در طول تاریخ، فرزندان خود را به کارهایی واداشته و از کارهایی نهی کرده اند بنابراین، مساله ی امر و نهی و تشویق و هشدار، ریشه در درون هر انسانی دارد و مربوط به زمان و مکان و یا نژاد و منطقه خاصی نمی شود. هر مساله ای این گونه فراگیر باشد، نشانه ای از فطری بودن آن است. (قرائتی، 1379)

ریشه عقلی:

امر به معروف و نهی از منکر یک ضرورت عقلی است. کدام عاقل است که سکوت در مقابل خطر و انحراف را پسندیده و آن را محکوم نکند؟
کدام عقل است که راهنمایی، دلسوزی، تشویق به کار خیر و جلوگیری از مفساد را لازم نداند؟
از آنجا که دین اسلام مطابق با عقل و فطرت است، می توان گفت که تمام آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر، ما را به همین قضاوت روشن عقل ارشاد می کند. (قرائتی، 1379)

رابطه ی توحید، نبوت و امامت با امر به معروف و نهی از منکر:

پیامبر اکرم (ص) فرمود: کلمه لاله لاله لاله عذاب الهی را از انسان دور می کند؛ به شرط آنکه این کلمه مبارک مورد تحقیر و استخفاف قرار نگیرد. مردی پرسید: چگونه ممکن است کلمه ی توحید مورد استخفاف قرار گیرد؟ فرمود: اگر گناهان علنی انجام گیرد و کسی گناهکار را نهی نکند و او را تغییر ندهد، به توحید اهانت شده است.
در قرآن می خوانیم؛ وظیفه ی تمام پیامبران نسبت به مردم، دعوت به ندگی و دوری دادن آنان از طاغوت است. و امام حسین (ع) هدف از قیام خود را چنین می فرماید: آیا نمی بینید به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری به عمل نمی آید. (قرائتی، 1379)

جایگاه آمرین به معروف و ناهیان از منکر:

در سوره ی توبه می خوانیم «خدا از مومنان؛ جانها و مالهایشان را خرید تا بهشت بر آنان باشد. مومنانی که هم از لغزش های خود توبه می کنند، هم خدا را می پرستند و ستایش می کنند و هم اهل روزه و رکوع و سجودند. این افرادند که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و حدود الهی را پاس می دارند.» (قرائتی، 1379)

چند درس از نهی از منکر امام حسین (ع):

«اگر دین ندارید لاقول در دنیای خود آزاده باشید» از این جمله امام چند درس می گیریم:

- 1 - نهی از منکر واجب است، حتی در لحظه ی آخر عمر.
- 2 - نهی از منکر واجب است، حتی نسبت به وحشی ترین افراد.

3 - اگر چند منکر انجام می شود و ما می توانیم از یکی از آنها جلوگیری کنیم، باز هم نسبت به آن یکی واجب است اقدام کنیم.

4 - افراد خلافکار ممکن است از بعضی از منکرات دست بردارند و تحت تاثیر وجدان قرار بگیرند.

5 - اگر از دین مردم نمی توان برا ینهی از منکر کمک گرفت از صفات دیگر آنان و از عوامل عاطفی استفاده کنید (قرائتی، 1379)

زمانی ما به جامعه ی دلخواه می رسیم که مرد و زن قیام کنند. بر اساس ولایت و محبت امر و نهی کنند. از خوبیها شروع کنند. به همه نقاط مثبت و منفی توجه کنند. (قرائتی، 1379)

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر:

گذشته از آنکه شناخت معروف و منکر کار هر کس نیست و قدرت برخورد و تماس با افراد مختلف نیز روان شناسی تبلیغاتی لازم دارد. اما امر به معروف زمانی موثر است که آمران به معروف و ناهیان از منکر، از خلق و خوی عالی، اطلاعات کافی و آموزش های لازم برخوردار باشند. ناگفته پیداست که حساب امر به معروف و نهی از منکر از حساب نماز، روزه و حج جداست؛ زیرا آنها ضرری به منافع و هوس های دیگران نمی زنند اما نهی از منکر، مخالفت با انحرافات و هوس های مردم است و قهراً گروهی در مقابل آن مقاومت می کنند. اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد، جامعه ی اسلامی بیمه نمی شود و هر روز اگر هنر مندی مثل سامری یک گوساله ی طلایی درست کند، می تواند نسل ما را مورد تهاجم فرهنگی خود قرار دهد. امر به معروف و نهی از منکر از واجبات قطعی است و آن قدر اهمیت دارد که امام حسین (ع) فرمود: هدف من از رفتن به کربلا، امر به معروف و نهی از منکر است. (قرائتی، 1379)

شرایط امر و نهی :

از جمله شرایط امر به معروف عبارتند از:

1 - کسی که امر به معروف می کند، باید از رشد و کفایت خاصی برخوردار باشد.

2 - در امر و نهی شرط سنی وجود ندارد.

3 - در امر و نهی از نزدیکان شروع کنیم.

4 - در نهی از منکر، ابتدا از بزرگترین منکرات نهی کنیم.

5 - در امر و نهی باید مردم را به کرامت و شخصیت خودشان متوجه ساخت.

6 - در امر و نهی باید با شیوه ی سوال، وجدانها را بیدار کرد.

7 - در امر و نهی، باید قاطعیت و صراحت داشته باشیم.

8- آمر به معروف خود باید دارای صفات برجسته باشد.

9- با سخنان منطقی، ساده و مختصر مفید و نرم و محبت آور راحت تر می توان در دلها نفوذ کرد. (اکبری زادگان، 1382)

انتقاد از کار یا از شخص :

ما نباید به خلافکار کینه دل باشیم، بلکه باید کار خلاف او را به او تذکر دهیم. با جهل باید مبارزه کرد نه با جاهل؛ با گناه باید مبارزه کرد نه با گناهگار. اگر خلافکار احساس کند که شخصیت دارد و محبوب است و تنها نقطه ی ضعف او کار خلافش است، براحتی آن را ترک می کند. (قرائتی، 1379)

از کجا شروع کنیم؟

• از خود: زمانی کلام ما تاثیر دارد که خود گرفتار منکر نباشید و به آنچه سفارش می کنیم، ابتدا خودمان عمل کرده باشیم. (عمل رمز موفقیت است، نه رمز وجوب)

1- از خانواده: اصلاح خود و خانواده مقدم بر اصلاح جامعه است. البته این بدان معنا نیست که تا بستگان اصلاح نشده اند، انسان به سراغ دیگران نرود، زیرا گاهی بستگان قابلیت هدایت را ندارند، ولی دیگران حرف حق را می پذیرند. اما اصلاح خانواده زیر بنای اصلاح جامعه است، زیرا جامعه چیزی جز خانواده های در کنار هم نیست.

2- از نسل نو: در امر به معروف و نهی از منکر، اگر سراغ نسل نو برویم، توفیق بیشتری خواهیم داشت. (قرائتی، 1379) در این رابطه مراکز آموزشی و آموزش دهندگان موثرترین عملکرد را می توانند داشته باشند.

3- همسایگان: بعد از اصلاح خود و بستگان نوبت به اصلاح همسایگان می رسد.

تدابیر سازنده در مراکز علمی و پژوهشی:

اگر برای ایام فراغت جوانان تدابیر صحیحی اندیشیده نشود، زمینه انحرافات زیادی پیش می آید که جامعه نیز تهدید می کند. از جمله تدابیری که می توان به آنها اندیشید و به مرحله ی عمل در آورد عبارتند از:

1- ایجاد نمایشگاههای علمی و هنری و بازدید های سازنده.

2- ایجاد مسابقات ورزشی و علمی.

3- ایجاد تنوع در آموزش های علمی، هنری، ورزشی، فرهنگی و . .

4- پخش فیلم های مفید.

5- آشنایی با مفاخر.

6- فعالیت در زمینه معروف های سیاسی و اجتماعی.

7- ایجاد اشتغال و آموزش دادن مهارت های فنی و کار آفرین.

8- توجه به اقامه نماز (نه در حد پخش اذان)

- 9 - توجه و نظارت اسلامی بر رفتار و کردار تعلیم دهندگان.
- 10 - استفاده از نظرات و ایده های دانشجویان در نصب تابلوهای تبلیغی.
- 11 - تشویق افراد و عناصر برجسته و تنبیه افراد فاسد.
- 12 - زمینه سازی برای امر به معروف و نهی از منکر.
- 13 - آرایه و تبلیغ چهره های موفق و الگو.
- 14 - معرفی مراکز علمی موفق، تهیه ی فیلم ها و برنامه های مستند از نحوه ی تأثیرات مثبت انجام این فریضه ی الهی.
- 15 - آرایه دیدگاههای واحد و ایجاد وحد رویه در این خصوص.
- 16 - آرایه ی شعارها و ضرب المثل های مثبت.
- 17 - تهییج احساسات عمومی مردم نسبت به پاس داشت ارزشها.
- 18 - توجه به فعالیت های ویرانگر دشمن و مسأله ی تهاجم فرهنگی.
- 19 - تبیین جایگاه والای این فریضه در فرهنگ اسلامی.
- 20 - انعکاس اخبار مستمر و صحیح پیرامون گزارش های ناهنجاریها و انحرافات اجتماعی و اخلاقی و ریشه یابی آنها در فرهنگ غربی
- 21 - تهیه مقدمات و برگزاری مناظرات علمی، فرهنگی و هنری بین کارشناسان با گرایشات مختلف و فراگیر کردن فرهنگ نقد و بررسی درخصوص اجرای این فریضه ی الهی.

22- آموزش مراحل و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر. توصیه و انتقال مفاهیم، ارزش ها و ضوابط اسلامی با روشهای علمی و جذاب هنری
راهکارهای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در مراکز علمی و پژوهشی:

اعتلای سطح بینش اجتماعی:

آگاهی بخشی و بالا بردن سطح معرفت افراد درخصوص اهمیت و اجرای این فریضه ی الهی، یکی از عوامل مؤثر در تحقق این دستور الهی و از جایگاه والایی برخوردار است. چنان چه خداوند اجرای امر به معروف و نهی از منکر را از صفات مردان و زنان مؤمن و نیز موجب نزول رحمت خداوند و عین اطاعت حق می داند. (سوره ی توبه، آیه ی 71) و نیز می فرماید: مردم باید امر به معروف و نهی از منکر کنند و آمرین به معروف و ناهیان از منکر سعادت مند و رستگارند. (سوره ی آل عمران، آیه ی 104) توجه به نیازهای روانی انسان و نیازسنجی جامعه می تواند عامل مهمی در جهت، افزایش آگاهی های اجتماعی باشد. جامعه بشری با بهره گیری از حس جستجوگری انسان، تمایل به خوبی ها و نیکی ها و فضایل و مسایل اخلاقی، عفت، راستی و صداقت و حس خداجویی به عنوان نیازی فطری انسان و در نهایت با تحکیم ارتباط مؤثر با خداوند، می تواند به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. (مطهری، 1376)

افزایش قدرت وجدان اجتماعی، قدرت جامعه و دولت اسلامی:

اسلام دارای نظام و قوانین خاصی است تا درستی راه جامعه و مسیر رسیدن به اهداف والای آن را تضمین نماید. اولاً نیروی بازدارنده درون انسان یعنی تقوای الهی می تواند نخستین ضمانت اجرایی باشد... وجدان دینی یا عامل بازدارنده درونی، همواره مراقب انسان است و او را و او را می دارد تا اسلام را جامه ی عمل بپوشاند... ثانیاً قدرت حکومت عادل در جامعه اسلامی دومین ضمانت است زیرا حکومت اسلامی حفظ امنیت داخلی و خارجی را جزو وظایف اساسی خود می داند. ثالثاً نیروی امنیت اجتماعی، ضمانت دیگری است که فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر از آن ناشی می شود و نقش مهمی در اعتلای معنوی جامعه دارد. (مطهری، 1376).

ایجاد بسترهای اجتماعی مناسب برای الگوپذیری نسل جوان:

ارایه الگو و مسأله نقش پذیری از آنها یکی از مسایل مهم در تربیت انسان است چنان چه قرآن کریم پیامبر اسلام را به عنوان الگویی خوب برای سعادت جامعه معرفی می نماید. معرفی الگوهای خوب و شایسته به جوانان، اثبات پوچی الگوهای نامناسب در حوزه اندیشه و رفتار اجتماعی، طرح الگوهای زنده در هدایت نسل جوان و ایجاد روحیه ی احساس مسئولیت و توجه به معیارهای اخلاقی و معنوی جامعه می تواند نقش ارزنده ای در هدایت جامعه به سوی آرمانهای مطلوب انسانی باشد. به اعتراف روان شناسان تربیتی ویژگی نقش پذیری جوان از جمله امتیازاتی است که می تواند خیلی زود او را تحت تأثیر قرار دهد این حسّ والای تربیتی را امتناع نماید. در متون و روایات اسلامی شواهد بسیاری بر پذیرش حقایق از سوی جوانان و اشتیاق و آمادگی آنان برای قبول ارزشهای الهی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود: امام علی (علیه السلام) فرمودند: *وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ*. قلب جوان مانند زمین بکر است، هر بذری که در آن بکاری، قبولش می کند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: *عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ أَسْرَعُ إِلَى خَيْرٍ بِرِ تَوْبَادَ كَهَ بِهَ سَوَى جَوَانِهَا بِرَوَى زِيْرَ أَنْهَا حَقَائِقَ رَا زَوْدَ مِى پَذِيْرِنْدَ*.

رعایت موازین شرعی و اخلاقی در امر و نهی:

امام راحل در این خصوص می فرمایند: باید ایران یک مملکت اسلامی و همه چیزش اسلامی باشد، و روی موازین شرعی باید امر به معروف و نهی از منکر نمود. اشاعه ی فحشاء از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و نقدی از ضوابط شرعیه نماید و فقط باید به وظیفه ی نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند. باب امر به معروف و نهی از منکر از وجهه ی رحمت رحیمیه است، پس امر به معروف و ناهی از منکر لازم است که به قلب خود از رحمت رحیمیه بچشاند و نظرش در امر و نهی، خودنمایی و خودفروشی و تحمیل امر و نهی خود نباشد زیرا که اگر با این نظر مشی کند، منظور از امر به معروف و نهی از منکر که حصول سعادت عباد و اجرای احکام الله در کشور است، حاصل نشود.

استفاده صحیح از ابزارها و کیفیت بخشی نقش رسانه های تبلیغی:

بهره گیری مشروع از ابزار تبلیغ، وظیفه ی سنگینی است که به دور رکن مهم در شخصیت مبلغ دینی نیازمند است: اولاً آگاهی و اطلاع وسیعی می خواهد. (رکن آگاهی) ثانیاً قدرت و امکان می طلبد (رکن قدرت و توانایی و امکان عمل) امکان دست یابی به قدرت از نظر فقهای شیعه به عنوان شرط وجود در امر به معروف و نهی از منکر تلقی

می شود نه شرط و جوب یعنی آن که باید امکان قدرت را به دست آورد. کیفیت بخشی به نقش رسانه های ارتباطی و تبلیغی، خود از عوامل مهم در بهره گیری از این ابزارهای مؤثر است. بدیهی آن که این گونه وسایل ارتباط جمعی باید به گونه ای عمل کنند که زمینه های تحریک تمایلات نفسانی در سطوح مختلف مردم بوجود نیاید و برای تحقق این مهم لازم است که هر چه بیشتر رسانه های جمعی و ارتباطی تحت کنترل و ارزشیابی مستمر و نظارت نخبگان امور تربیتی و مذهبی قرار گیرند تا از ظرفیت های موجود این رسانه ها حداکثر بهره برداری به عمل آید. (امام خمینی، 1382)

شیوه شناسی و روش های تبلیغی مؤثر:

طبیعی است که بهره گیری از شیوه های انسانی، الهی و مشروع و سازگار با اندیشه ی ناب اسلامی می تواند تأثیر بسزای در تحقق و گسترش فریضه ی الهی امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. چنان که توصیه ی پیامبر اکرم و سایر ائمه ی اطهار (علیهم السلام) نیز تأکید بر روش های اصولی بود، آنجا که «معاذبن جبل» را برای هدایت و دعوت مردم یمن گسیل می داشت فرمودند: یا معاذ یَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ، بَشِّرْ وَلَا تُنْفِرْ، ای معاذ سهیل بگیر و سخت گیری مکن، بشارت ده و نفرت و بیزاری از اسلام ایجاد مکن. همه ی امامان شیعه بویژه امام حسین (علیه السلام) نیز پیوسته از روشهای مهم تبلیغ در اسلام که عبارت از: تبشیر و تبتذیر و پرهیز از تنفیر است با بهترین شیوه بهره می گرفتند. سیره ی ائمه ی معصومین (علیهم السلام) در تبلیغ آن بد که به طور عمده نظارت اجتماعی رسمی و غیررسمی خود را از طریق ابلاغ و آموزش آموزه های دینی و تبیین ارزشهای الهی و انسانی و درونی کردن آنها به مرحله ی اجرا درآورد تا در جامعه ی اسلامی تحولی ساختاری ایجاد شود و در این مسیر همواره در برخورد با ناهنجاریهای اجتماعی، روشی آموزشی و تربیتی، هدایت گرانه دل سوزانه، آزادمنشانه و مهربانانه داشتند.

الف: روش برخورد مستقیم و غیرمستقیم: امر به معروف و نهی از منکر شیوه شناسی قابل تصور در دو نوع شیوه است که: یکی روش مستقیم و دیگری روش غیرمستقیم و غالباً روش غیرمستقیم کار سازتر است، روش مستقیم همان تبلیغ ظاهری به وسیله ی گفتار و امثال آن می باشد، روش غیرمستقیم آن است که عامل باید خود عامل به آن چه معتقد است باشد. چنان چه در حدیث آمده است: *كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ*، مردم را به غیر زبانتان به سوی حق دعوت کنید. قابل توجه است که در برخوردها باید روش و متد رویارویی را شناخت، به خصوص آنکه در مسایل تربیتی و روان شناختی باید روان شناسی صحیح تربیتی را ملحوظ داشت تا تلاشهای سازنده به نتیجه رسد.

ب: روش دادن شخصیت و جلب اعتماد: چنان چه امر و ناهی بتواند ابتدا به شخصیت افراد احترام گذارد و با ظرافت خاص در جذب آنها مهارت خود را نشان دهد، مردم به سوی او جلب خواهند شد. در همین رابطه حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: *قُلُوبُ الرِّجَالِ وَ حَشِيَّةُ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ*. دل های مردم وحشی است، پس هرکس که آن قلوب را جذب کند به او روی خواهند آورد.

ج: روشهای برخورد متناسب با ظرفیت مخاطب: یعنی با هرکس به اندازه ی فهم و ادراک او سخن گفت نه کمتر و نه بیشتر، چنانچه رسول اکرم (ص) نیز فرموده اند: *أَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ*.

د: روش توجه به ظرفیت های روانی: وضعیت مخاطب و توجه به جهات عاطفی او زمینه را برای پذیرش امر و نهی هموار می سازد. چنان چه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: **إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَآتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ** - همانا قلوب، برای قبول نمودن نصیحت، روی آوردنی و پشت کردنی دارند، پس در مواقع پذیرش آنها را دریابید، زیرا اگر قلوب نسبت به چیزی اکراه داشته باشند، در آن مورد کور بوده، چیزی را نمی بینند. یا در جای دیگری می فرمایند: **إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمَلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ**. همان برای قلوب اقبال و ادیاری هست، هرگاه قلب حالت پذیرش دارد، می تواند او را به انجام مستحبات و ادار کنید ولی هرگاه حالت آمادگی نداشت فقط به انجام واجبات اکتفا کنید.

خ: روش برخورد مؤدبانه: سخن گفتن و نصیحت کردن چنان چه از دایره ی ادب و نزاکت خارج شود چه بسا اثرات سوئی خواهد داشت ما مأموریم به برخورد صحیح و منطقی، چنان چه خدای کریم می فرماید: ادفع بالتی هی احسن و یا در آیات 34 سوره ی فصلت، 10 سوره ی مزمل، 63 سوره ی فرقان و 18 و 19 سوره ی نازعات نیز به همین مهم تأکید شده است. بنابراین راهنمایی مخاطب با شیوه ی ذکر جنبه های عقلی یا حکمت و یادآوری جنبه های عاطفی یا موعظه و استفاده از شیوه های مناظره علمی گوناگون می تواند تأثیرات به سزایی داشته باشد.

ه: روش بهره گیری از شیوه های زیربنایی: قابل توجه است که در مبحث شیوه شناسی در مسأله ی نظارت عمومی جامعه در قالب امر به معروف و نهی از منکر بهره مندی از شیوه های روبنایی و بویژه، زیربنایی بسیار قابل توصیه است. در شیوه های روبنایی کنترل ظاهر جامعه و امر به معروف و نهی از منکر زبانی مورد توجه قرار می گیرد اما در شیوه های زیربنایی توجه به ساختارهای اجتماعی جامعه مدنظر است. بنابراین برنامه ریزی فرهنگی از جهتی و برنامه ریزی های اقتصادی از جهت دیگر می تواند زمینه های مناسبی را برای تحقق اهداف امر و نهی به وجود آورد:

1- تربیت خانوادگی و تربیت صحیح فرزندان.

2- رعایت معیارهای جاذبه و دافعه یا جذب و دفع صحیح، عقلانی و مشروع.

3- کنترل غریزه جنسی با ازدواج.

و: شیوه ی تشویق و اهدای جایزه: در جذب مخاطبین نوجوان به خصوص این شیوه بسیار کار گشا و سازنده است. (امام خمینی، 1382)

اصلاح ساختارها و راه کارهای ایجابی و سلبی:

دگرگون سازی و اصلاح ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه براساس آموزه های اسلامی می تواند از اساسی ترین راه کارها تحقق امر و نهی الهی به حساب آید. فقهای بزرگ اسلام معتقدند که در تحقق این فریضه ی الهی، آحاد مردم موظفند که از جایگاه قدرت جلوی زشتی ها را بگیرند. لکن آن بخش های حساس اجرای این فرمان الهی مانند ضرب و جرح به دست هیأت حاکمه است و بخش های اعتراض آمیز آمرانه ی آن به عهده عزم ملی است و نیز این فریضه با حدّ و تعذیر فرق جوهری دارد، در امر به معروف به انجام کار فرمان می دهند و در نهی از منکر، جلوی کار زشت را می گیرند و به عامل می گویند: این کار خوب را انجام بده یا فلان کار

بد را نکن، ولی در حدّ و تعذیر، شخصی بزهکار را تنبیه می کنند که چرا فلان کار قبیح را مرتکب شدی؟ از این رو چنین کاری به عهده ی مسئولان قضایی شرعی است، برخلاف امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه ی همگان است. لذا این کار یک عزم ملی می طلبد. (اشتهاوردی، 1372).

نتیجه گیری:

انسان از قدیمی ترین روزگار حیات خویش، ملّت واحدی بوده است و تنظیم روابط انسانی براساس وحدت اجتماعی، همواره از آرمانهای مقدس او می باشد. در جوامع بشری، رشد و اجتماعی بودن، تکامل تدریجی داشته است، بنابراین فلسفه ی ارسال پیامبران الهی برای این است که با اختلافات، تعارضات، انحرافات و آسیب هایی که اجتماع بشری را تهدید می کند، برخورد شود تا همواره جامعه ی انسانی در مسیر الهی خویش هدایت گردد. آن چه مهم به نظر می آید آن است که در یک جامعه ی الهی، کیفیت ارتباط سالم و حیات بخش و تضمین کننده ی سعادت جامعه باید براساس آموزه های الهی تبیین و تحقق یابد. بر این اساس برای ضمانت اجرای احکام اجتماعی در اسلام، دو راه کار مهم در نظر گرفته شده است: «یکی وجود سازمان حکومتی اسلام که موظف به حفظ شعایر عمومی دین و حدود آنهاست و دیگری انجام فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر، که بر تمام مسلمین واجب است.» جوامع بشری در طول تاریخ خود با مشکلات، انحرافات و آسیب های زیادی روبرو بوده اند، بنابراین راه کارهای اسلامی برای معالجه ی این انحرافات و نابسامانیها براساس آموزه های قرآن کریم عبارتند از:

1. گسترش تعلیم و تربیت دینی و تعمیم تبلیغات مذهبی بخصوص در مراکز آموزشی 2. تعمیق و گسترش عنصر بصیرت.

در اندیشه ی اسلامی ارتباط مستمر بین آحاد جامعه با رهبری که براساس تقوا خواهد بود، می تواند در نهایت جامعه را به سمت فلاح و رستگاری و سعادت رهنمون گردد و اشکال عمده ی جوامع اسلامی چه در عصر امامت و چه در عصر غیبت امام زمان (علیه السلام) این بود که این ارتباط مستمر قطع گردیده است. بنابراین اگر بخواهیم آثار امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه مشاهده کنیم باید مقدمات و وسایل اثر بخشی در وصول به آنان و امکانات هدایت جامع را فراهم نماییم که مهمترین وسایل تاثیر، قدرت و مهمترین نهاد تاثیر گذار مراکز آموزشی و پژوهشی می باشد. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ی همگان بوده یک عزم ملی می طلبد. بنابراین پیشنهاد می گردد که در مراکز آموزش عالی و علمی و پژوهشی توجه بیشتری نسبت به امور تحقیقی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر گردد. از آنجایی که مدرسین می توانند تاثیر زیادی در تاثیر پذیری دانشجو داشته باشد، بنابراین شایسته است که در این زمینه سرمایه گذاری بیشتری انجام گیرد که اساتید، فقط در فکر انتقال دانش نباشند. از طرف دیگر برگزاری این گونه همایش ها هرچند باعث نوشتن مقالات مروری توسط افراد شود خود تلنگری بر پیکره ی وجودی افراد است تا اهمیت امر و نهی را فراموش نکند زیرا سعادت بشری در همسویی با عمل به این دو می باشد.

منابع:

- اشتهاوردی، عبدوس. (1372). *فرازهایی برجسته از سیره ی امامان شیعه*، دفتر تبلیغات اسلامی قم
- اکبری زادگان، نوروز. (1382). *عاشورا خروش بیداری*، نشر شهید فهمیده،
- اصول کافی: مجلدات 1 و 5
- جوادی آملی، آیت الله. (1381) *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*، نشر اسراء،
- خمینی (رحمت الله علیه)، امام. (1382). *تبیان، امر به معروف و نهی از منکر*، دفتر بیست و یکم، مؤسسه نشر آثار امام
- طباطبایی، مرحوم علامه محمدحسن. *تفسیرالمیزان*، ترجمه فارسی، چ4،
- قرائتی، محسن. (1379). *امر به معروف و نهی از منکر*. تهران: نشر مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، 327ص.
- قرآن کریم
- مطهری، مرتضی. (1376). *ده گفتار*. تهران: انتشارات صدرا، 315ص.
- *نهج البلاغه*: ترجمه های فیض الاسلام و محمد دشتی